

صفحه اول کرونا پخش زنده ویدیو تلویزیون رادیو ایران افغانستان ج

مهلکه تیر غیب: بگیری میزنم

محمد قائد
نویسنده ساکن تهران

۱۴ شهریور ۱۴۰۰ - ۵ سپتامبر ۲۰۲۱



مجموعه ناظران می گویند، بیانگر نظر نویسندگان آن است. بی بی سی می کوشد تا با انتشار مطالب صاحب نظرانی از طیف های گوناگون، چشمانداز متنوع و متوازی از دیدگاه ها ارائه دهد. در این مجموعه تلاش شده تا حد ممکن، شیوه نگارشی نویسندگان حفظ شود.

مجموعه یادداشت های محمد قائد با عنوان "مشاهدات ناظر پیاده" را هر ماه در صفحه ناظران بی بی سی فارسی بخوانید.





تا پیش از پیدایش کامپیوترهای پر قدرت و فناوری افزودن پس‌زمینه به تصویر، در فیلم‌های کمدی-حادثه‌ای که در پاریس (غالباً در خیابان‌های منتهی به برج ایفل و کنار رود سن) فیلمبرداری می‌شد جز بازیگرها کسی پیدا نبود.

در مکان‌های عمومی فرانسه برای پیر کردن فیلمی احتمالاً شامل مضامین جرم، جنایت، سرقت و رفتارهای جنسی کسب اجازه از تک‌تک افراد تصادفاً فیلم‌مانده شده ضروری است. پس عملی‌تر است خیابان را با مجوز شهرداری قرق کنند تا به رهگذرها باج ندهند.

در آمریکا یا دست‌کم شهر نیویورک، "پایتخت جهان"، که به اندازه یک کشور پذیرای جهانگرد است چنین محدودیتی به آن شکل وجود ندارد، به این شرط که رهگذر بی‌خبر از همه جا را وارد ماجرا نکنند و چهره و هویت اشخاصی که داوطلب نیستند یا دست‌مزد نگرفته‌اند در نمای دور قابل تشخیص نباشد. گاه در حرکت افقی دوربین می‌توان تصویر گذرای جماعت را دید که در پیاده‌رو منتهن ایستاده‌اند هنرپیشه‌های مشهور و بندوبساط دوربین تماشا می‌کنند.

چنانچه فردی از صحنه فیلمبرداری، عملاً بخشی از سناریوی فیلم در حال تولید، فیلم بگیرد و در اینترنت هوا کند بحث کپی‌رایت و حقوق مؤلف مطرح است. تهیه‌کننده فیلم عوارض خاص می‌پردازد تا اجازه یابد از خیابان همچون استودیو استفاده کند. کسی که نپرداخته حق ندارد به عایدات دیگران ناخنک بزند. هم ملاء عام و هم حریم خصوصی و محدوده کسب‌وکار.

در ایران هم رسانه‌ها در تصویر صحنه تخلف یا نزاع، چهره‌ها و حتی شماره اتومبیل را محو می‌کنند. فرد ذینفع حق دارد شکایت کند نشان‌دادن او و ماشین قابل‌شناسایی در موقعیتی مجرمانه یا اخلاقاً ناپسند به حیثیتش لطمه زده است.

در کلیپ‌های خبری از جلسات کابینه اسرائیل حتی کاغذهایی که مقامها در برابر دارند تار می‌شود تا با هیچ درجه‌ای از بزرگنمایی قابل خواندن نباشد.

در همه جای جهان معمولاً سیمای کودکان و قربانیان تعرض را در گزارش حوادث محو می‌کنند، همین‌طور قیافه مأموران امنیتی که قرار است ناشناس بمانند.

اما نه همیشه و نه در تمام موارد. سال گذشته کلیپ واقعه خبرساز فشار زانوی پلیس سفیدپوست در شهر مینیاپولیس آمریکا روی گردن مردی سیاه‌پوست که منجر به مرگ او شد مدرک جرم مشهود بود و به محکومیت و حبس طولانی مأمور انجامید.

واقعه‌ای مشابه تاریخ رژیم اسلامی را به قبل و بعد تقسیم کرد: صحنه جان‌دادن و بیرون‌زدن موج خون از گلوله دختری که تفنگچی بسیج در خیابان تهران قلبش را هدف گرفته بود دنیا را تکان داد.

هفته پیش از آن، با شروع لت‌وکوب و وحشیانه در شبه فردای انتخابات ۸۸، کلیپ‌های رسواکننده را مردم با دوربین‌های مشهور به هندی‌کم می‌گرفتند.

ظهر روز سوم، خیابان‌های مرکزی پایتخت را ناگهان سیل جمعیت پوشاند. پس از توافق ۱۹ آذر ۵۷ بین رژیم سابق و معترضان، دیگر فرصتی دست نداد جمعیتی عظیم شامل آن همه زن و دختر ساکت مصون از شلیک گلوله علیه وضع موجود راهپیمایی کند. رژیم ولایی واقعه سی سال پیش‌تر را به خاطر داشت و می‌دانست چنان فرصت و مصونیتی چه پیامدی دارد.

عصر دوشنبه ۲۵ خرداد ۸۸ نیروهای آتش‌به‌اختیار برای "جمع‌کردن" اعتراض شروع به تیراندازی هدفمند کردند (به سر و سینه مردان جوان و خوش‌سیما غالباً با پیراهن سفید، شاید چون هدف‌گیری را آسان می‌کند). در چنان هنگامه‌ای دست‌گرفتن دوربین ویدیو در خیابان می‌توانست دعوت از گلوله باشد.

جماعت ناچار به دوربین تلفن همراه متوسل شدند. صحنه جان‌دادن ندا آقاسلطان خبرسازترین نمونه این گونه ثبت‌وضبط تاریخی بود. از نتایج استفاده از موبایل، محدود ماندن مشاهدات در تصویر عمودی است.

چشم‌انداز انسان در طبیعت و شهر و خانه، همانند پرده سینما و صفحه تلویزیون، به چپ و راست امتداد می‌یابد. اما در شلوغی زدوخورده خیابانی چنانچه موبایل را افقی به دست بگیری ممکن است مقدمه دردسر جدی و حتی سالها گرفتاری باشد.

نتیجه‌ای به مراتب مهم‌تر همگانی‌شدن کار خبرنگاری بود. اگر احتمال اصابت مستقیم گلوله را شاخص خطر بگیریم، ایران جزو خطرناک‌ترین مکانها برای گزارشگر حرفه‌ای نبوده است. اوایل بهمن ۵۷ فیلمبرداری فرانسوی در تهران به ضرب گلوله اسلحه کمری جان باخت و گزارشگر هفته‌نامه‌ای ایتالیایی در هجوم جماعت به ساختمان مرکزی ژاندارمری در برابر دانشگاه تهران تیر خورد اما نجات یافت.

نفر سوم، مخبر لس آنجلس تایمز روز ۲۱ بهمن در حالی که نبرد همافران و نفرات لشکر گارد را از پنجره مدرسه‌ای در خیابان ژاله تماشا می‌کرد درجا کشته شد. در طوفان و آشوب یک انقلاب، عمدی یا تصادفی بودن چنان وقایعی در فضای پر از گلوله در حال پرواز قابل تحقیق نیست.

حکومت اسلامی ایران بستن نشریات و به‌زدان‌انداختن آدم‌های آنها راحت‌تر می‌بیند و امروز از نظر تعداد زنان جوان که، فقط برای حرف‌زدن و نوشتن، در محبس‌های کثیف و بویناک پیر می‌شوند در دنیا انگشت‌نماست.

پس از مصادره اموال و اعدام علی‌اصغر امیرانی که بهمن ۵۷ روی جلد یکی از آخرین شماره‌های

مجله‌اش خواننده‌ها گفتند "صبر بشک که این آمد و صد حرف که آن رفت" تا همین سال گذشته که

سجده اس سواندی ص بیورد صد ستر نه این اند و صد سیف نه ان رحب ، ن صدین سن ندسه نه روح الله زم را برای هواکردن سایتی خبری- جنجالی حلق آویز کردند (موردی یگانه)، کسی از اهل آن حرفه در ایران کشته نشد اما طی این مدت شماری به زندان افتادند و شماری بسیار بزرگتر کارشان را از دست دادند و ناچار از جلای وطن شدند. زجرکش کردن یک نسل آدم حرفه‌ای.

از میان ۵۰ خبرنگار مقتول سال ۲۰۲۰ در دنیا ۱۰ تن حین تحقیق در دزدی و سوءاستفاده مالی مقام‌ها و چهار نفر در جریان سردرآوردن از جرایم سازمان‌یافته کشته شدند. و در پدیده جدید آن سال، هفت نفر هنگام گزارش کردن تظاهرات اعتراضی - سه نفر در یک روز در عراق با شلیک مستقیم به سر؛ خبرنگار چهارمی هنگام تلاش برای دورشدن از برخورد مأموران امنیتی و تظاهرکننده‌ها در اقلیم کردستان.

سازمان خبرنگاران بدون مرز در گزارشی پنج کشور مکزیک، عراق، افغانستان، پاکستان و هند را خطرناک‌ترین مکان‌ها برای خبرنگاران می‌داند اما می‌افزاید سال پیش دو سوم کشته‌های این حرفه در کشورهایی بود که درگیر جنگ نیستند، مانند مکزیک، هند، فیلیپین و هندوراس .

در فرانسه که پیش‌تر هم فیلم‌گرفتن از اشخاص در ملاء عام محدودیت داشت دولت در صدد است تصویربرداری از مقابله مأموران پلیس با تظاهرکنندگان را با وضع قانون ممنوع کند.





عکس: جمشید گلگمانی

در تظاهرات "راهپیمایی برای آزادی" ۲۹ نوامبر ۲۰۱۹ در پاریس روی پلاکاردی نوشته بودند "زدن پوز [آدم دوربین به دست] # ناامنی جهانی"

در ایران وکیل مجلس اسلام حین سماجت برای عبور از خط ویژه به مأمور انتظامی سیلی زد و همقطارانش به فکر افتاده‌اند فیلم‌گرفتن از وقایع خیابان را جاسوسی و پخش کلیپ آن را خیانت قلمداد کنند. اهل حقوق و جرم‌شناسان تذکر می‌دهند رخدادهای ملاء عام را نمی‌توان در زمره اسرار و ثبت‌کننده را در ردیف جواسیس دانست. تأثیر استدلال آنها بر قانون‌نویس‌های صفرکیلومتر هرچه باشد، گیرنده فیلمی که ارباب قدرت نخواهند و نپسندند در معرض بسیاری خطرهایست، از جمله گلوله. 'بگیری میزنم'.



عکس از کلیپ سی‌ان‌ان

سال ۲۰۱۷ در موصل گلوله تک‌تیرانداز جلد دوربین خبرنگار تلویزیون را متلاشی کرد اما به خود او آسیبی نرسید. شرکت سازنده دوربین می‌تواند تبلیغ کند محصولش نوعی بیمه عمر است، شاید هم تعویذ برای دفع چشم‌زخم و رفع آفت و بلا

پس از همه این حرفها، آیا هواکردن فیلمی که در مهمانی گرفته شده جزو حقوق گیرنده است و فیلمبرداری از اشخاص در حریم خصوصی اساساً نیاز به اجازه ندارد؟

یک جواب شاید این باشد که هر جا دوربین دست کسی باشد، اگر نه بنا به تعریف، عملاً حیطة عمومی است و متصل به سپهر بیکران اینترنت.

می‌نویسد حدیج واضحه حبس از و صوح باید کرد. تجربه‌های رنج‌های و رنج‌ها به دارند این بی‌بورد یاد دادند
 کلیپ حریم خصوصی هم جزو خرده‌ریز حیطة عمومی است و تذکر و حتی اعتراض بعدی فقط باد هوا و
 دشمن‌تراشی. وقتی گرفتند، گرفتند، و چه پنج ساعت در اینترنت باشد چه پنج سال.

اما آن داستان دیگری است.

از همین نویسنده:

- دیپلماسی لازم؟ - نخیر مرسی، ترجمه قدغن
- شاملو؛ دهه و دهه‌ها
- سوم اسفند - رضا خان سوادکوهی؛ ظهور - شاید تصادفی، صعود - یقیناً مقاومت‌ناپذیر
- سی خرداد؛ روزی که مدت‌ها پیش آغاز شده بود
- فانوسی دریایی، برجی در صحرا
- معصومیت بر بادرفته شاعر
- درباره داریوش همایون؛ لایه‌های نوشته، مراتب نویسنده
- نگاهی دیگر؛ سانسور به عنوان خشکشویی

موضوعات مرتبط

ایران

مهمترین خبرها

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وارد ایران شد
 ۷ ساعت پیش

زنده حمله هوایی اسرائیل به نوار غزه

'حمله پهپادی به فرودگاه اربیل عراق'
 ۵ ساعت پیش